

بشیر بغلانی:

«سرکشی از قانون در برابر نظام حاکم غیر مشروع، ظالم، بی کفایت، فاسد و تحریم

انتخابات جایز است»

اخیراً نوشتاری زیر عنوان «نگاهی به حوادث گذشته، حال و آینده افغانستان» به قلم محترم بشیر بغلانی در سایت وزین آریایی به نشر رسید که اینک یک بخش آن را نقلاً به نشر می‌رسانیم:

... «سزاوار میدانم که در اینجا درباره دموکراسی سخن بگویم:

الف: دموکراسی ابزاری - سرمایه داری لیبرال شعار دموکراسی و دفاع از حقوق بشر را ابزار تقرب و پیاده سازی سیاست و اهداف توسعه سرمایه خود و دستیابی به منابع طبیعی بویژه نفت و گاز کشورهای منطقه و کنترل آن دانسته دنبال میکنند. کشور و جامعه سنتی، جنگزده پر از تضاد و کشمکش که دارای موقعیت خاص جغرافیای است و حضور نظامیان ناخوانده که اهداف استراتیژی دیرین دارند، نگرانیها و واکنش های سختی بار آورده است. بنا دموکراسی ابزاری و اجرای آن که با اهداف خاص خارجیها خدمت کند، شرایط مساعد و زمینهای سازگار ندارد. چنانچه دیده شد که دست اندرکاران برگذاری کنفرانس بن و لویه جرگهای دنباله آن که به اشتراک عناصر راستگرا، مجاهد جنگجو، بیسواد و کم سواد و اشخاص سرکشیده دوران جهاد که گاهی شمشیر را در عقب مذهب وزمانی شمشیر را پیشرو مذهب مورد استفاده سیاسی، جاه طلبی و زراندوزی قرار داده و از خون فرزندان وطن ثروت اندوخته اند و بجز از جنگ و خونریزی و نابودی هستی مردم کفایت انجام هیچ کاری را ندارند. اما ابزار کار آمد خوب برای خارجیها بودند و هستند وجود آنها در حاکمیت و اداره اسباب فساد و افزایش خشونت، فقر و بدبختی مردم، زرع، تولید و ترافیک مواد مخدر گردیده است و راه تقرب به صلح، حاکمیت ملی، دموکراسی و عدالت اجتماعی تاریک و مسدود به نظر می رسد.

ب: جوهر دموکراسی در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر زیلا بیان شده است.

«۱- هرکس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خوا مستقیماً و خواه بوساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

۲- هرکس حق دارد باتساوی شرایط، بمشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

۳- اساس و منشأ قدرت حکومت اراده مردم است، این اراده باید بوسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.»

دموکراسی آزادی عمل واراده، برابری حق انسان ابراز رأی همگانی در ایجاد رژیم، داشتن حق نظارت دائمی مردم از عملکرد های دولت است. و نیز باید تفکیک قوای سه گانه دولت بر پایه استقلال عمل و هماهنگی قوه ها و با کسب صلاحیت از قانون ای که ناشی از اراده و پیمان مردم و ضمانت اجرایی داشته باشد، جوهر دموکراسی است. برخلاف درکشورما با وصفیکه در دولت سازی و قانون اساسی بعد از تصویب لویه جرگه جعل و تقلب صورت گرفته و انحصار قدرت در دست شخص است و مقرری، عزل و نصب وزرا، زعمای دستگاه قضایی، سفرا، والیها و دیگر مقامات از صلاحیت رئیس جمهور میباشد. همه ارگانهای یاد شده همچو ابزار در چارچوب اراده رئیس جمهور عمل میکنند که با دموکراسی منافات دارد. مزید برآن رئیس جمهور نماد آشغال است. بنابراین ادعای وجود استقلال کشور، مشروعیت دولت، حاکمیت ملی، آزادی و دموکراسی حقیقت ندارد و همه اجراءات این دولت، و فرامین آن حقوقاً غیر شفاف باطل و قابل فسخ و بازگشت میباشد.

خواهران برا دران عزیز، باور دارم که عشق به سرزمین نزد همه هموطنان وجود دارد. اما تلاش رسیدن به این آرمان پراکنده، نا چیز و بی ثمر است. بنابر این از منورالفکران، حلقات سیاسی و فرهنگی انتظار این است که برای نجات وطن و مردم اختلافات میان گروهی، قومی، مذهبی و زبانی را کنار بگذارند و برای دست یافتن به استقلال کشور، حاکمیت ملی، صلح، امنیت، آزادی، دموکراسی و همزیستی برادرانه همه اقوام و ملیتها در یک پروگرام مشترک «جبهه» در کنار هم قرار بگیرند، میتوانند قادر به حل چالشها و آینده سازباشند.

البته میدانید که حضور نیروهای نظامی خارجی درکشور ما با اراده ای آزاد مردم و قانون ابتنا نداشته است و در برابر نگرانی های کشور های همسایه و اکنشها ی روز افزون خون آلود و

فاجعه ساز به همراه داشته است که تا حال به صورت دسته جمعی آشکار اعلام مطلب نشده است. در اینجا جایز است بگوییم که:

— باید برای کاهش و رفع نگرانیها واگنشهها و پایان خصومتها سوق و اداره ای تمام نیروها بشورای امنیت ملل متحد سپرده شود.

— اگر ضرورت به نیروی نظامی کمکی بیشتر باشد، ملل متحد از کشورهای کنفرانس شانگهای و سازمان کشورهای اسلامی نیرو تقاضا کند.

— اگر در اجرای چنین کارمانع و مشکلی در میان باشد. ملل متحد قوای حافظ صلح راپیاده کند و نیروهای نظامی موجود از کشور خارج شوند، برای تروریزم و رادیکالیزم بهانه‌ای جنگجوی باقی نمی ماند.

— ملل متحد در داخل افغانستان از آگاهان و همه نیروهای چپ و راست داخل و خارج افغانستان کنفرانس انتخابی وسیع برگزار کند که در آن نماینده گان کشورهای امریکا، ناتو، شانگهای، و کنفرانس اسلامی بحیث ناظر حضور داشته باشند و از مشورههای سودمند شان استفاده شود.

— در محور کار کنفرانس با توجه بویژه گیهای جامعه سنتی و جنگ زده ای افغانستان تأمین صلح و ثبات، دموکراسی، تفکیک قوای سه گانه ای مستقل دولت صرفاً تابع قانون و اجرای عدالت اجتماعی در هماهنگی اعلامیه ای حقوق بشر باشد.

— کنفرانس، حکومت انتقالی مؤقت برای مدت یکسال در همسانی موازین بین المللی تحت نظر گروه سازمان ملل بوجود آورد و کشور های اشتراک کننده از آن حمایت نمایند. اعضای حکومت مؤقت پس از ختم دوره انتقال حق کاندید شدن در پست مقامهای عالی دولتی را ندارند.

آخرین کلام من.

روشنفکران، اشخاص آزاد اندیش، حلقات، احزاب برنامه دار و همه مردمان نجیب و زحمتکش متدین وطن بمقام انسانی و عقاید همه شما احترام ابراز میدارم. خاطرنشان میدارم که نیروهای نظامی، طالبان، القاعده، مجاهدین و احزاب چپ وابسته به ترند شوروی سابق وچین وهرچپ دیگر، هیچ کدام با اندیشه های پیشین دراین روزگار در وطن ما زمانه ساز، دولت ساز و آینده ساز نخواهند بود، همه بتاریخ پیوسته اند و احزاب تازه پای موجود همه ناتوان کمرنگ هستند،

کاری از دست شان ساخته نیست. آنهایکه آرمان دفاع از استقلال وطن، وحدت ملی، تساوی حقوق ملیتها، آزادی، دموکراسی و احترام به عقاید، سنن و فرهنگ دیرپا و برابری حق انسان را در سردارند و دولت را عمال اجنبی و ناکاره فاسد و غیرمشروع عامل فقر و بدبختی می‌شمارند، لازم نیست که در زیر چتر چنین حاکمیت و قانون بی اعتبار آن، خود را تابع قرارداده، پیام رسان دموکراسی آن باشند و نباید، جریان انتخابات ریاست جمهوری که اکنون آزادی و شفافیت آن مورد سؤال و اعتراضهای جدی قراردارد؛ از طریق رسانهها در پندار مردم زحمتکش که با تذویر و ترفندها آشنایی ندارند با اهمیت توجیه و تعبیر نموده و برنگ و مضمون فریبکارانه آن سرپوش بگذارند که چنین عملکردها در خدمت آرایش نظام و بدعت نا جایز خواهد بود. در مقدمه اعلامیه حقوق جهانی بشرچنین آمده است. «اساساً حقوق انسانی را با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام برضد ظلم و فشار مجبور نگردد.» در اینجا بکاربرد واژه قانون مشروع بودن و پابندی به آن در نظر است که درکشورما وجود ندارد. بنا سرکشی از قانون در برابر نظام حاکم غیر مشروع، ظالم، بی کفایت، فاسد و تحریم انتخابات جایز است. توجه شود که از این فرصت تاریخی استفاده شجاعانه و برحق هرچه زود ترینفع استقلال، ایجاد حاکمیت ملی، دموکراسی واقعی در کشورصورت گیرد که تاریخ تکرارنمی شود و منتظر نمی ماند.»